

از آن پول باقی نمانده که بتوان برای آن چاره کرد. حتی حق و حقوق باشگاه‌های داخلی که در جام جهانی نماینده داشتند، با همین بهانه تحریم پرداخت نشد تا در نهایت یک فدراسیون بدهکار و ورشکسته را بر جای بگذارد.

## دو

## درآمدزایی برای دیگران

در بخش درآمدزایی و اسپانسرینگ فدراسیون تاج یک بازنده تمام عیار بود. فدراسیونی که نه تنها هیچ فعالیت اقتصادی خاصی انجام نداد، بلکه مسیرهای درآمدزایی اندک قبلی را هم که آب باریکه‌ای برای فوتبال محسوب می‌شد، با قراردادهای خاص و شبهه‌دار از دست داد تا تقریباً هیچ عایدی نداشته باشد.

فدراسیون تاج ابتدا در قراردادهای تبلیغاتی دور زمین را با یک قرارداد عجیب و حیرتانگیز به شرکت کانون ایران نوین واگذار کرد، قراردادی یکسویه که تقریباً تمامی بندهای پرشمار آن یکطرفه و به سود کارگزار تنظیم شده بود و البته مبلغ آن از ارزش واقعی بسیار پایین‌تر بود. قراردادی که تقریباً تمام سود سرشار این تبلیغات گرانبها را عاید کارگزار می‌کرد تا سر فوتبال و ایادی اصلی یعنی باشگاه‌ها بی‌کلاه بماند.

تاج با همین فرمول قرارداد فروش اینترنتی بلیت‌های مسابقات لیگ را به شرکت دیگری به نام برهان مبین واگذار کرد. قراردادی کاملاً یکطرفه و حیرتانگیز که دست‌کمی از قرارداد ترکمنچای نداشت و به اندازه‌ای به سود کارگزار تنظیم شده بود که حتی قرارداد قبلی تبلیغات را نیز روسفید کرد تا همه قرارداد قبلی را یک نمونه موفق بدانند! حق برداشت ۳۰ درصدی از سود فروش و مدت زمان ۱۰ ساله قرارداد اوج شاهکار تاج و تیم حقوقی‌اش در تنظیم این قرارداد بود. بندهای عجیبی که حتی اگر کارگزار قرارداد را می‌نوشت، این بندها را در آن لحاظ نمی‌کرد و قطعاً رعایت انصاف را بیشتر داشت!

در بحث حق پخش، تاج شعارهای زیادی داد و از روز نخست بر احقاق این حق مهم و کلیدی فوتبال تأکید کرد اما در عمل نتوانست حتی یک قدم ناچیز بردارد تا باز هم سر باشگاه‌ها بی‌کلاه بماند. نهایت تلاش او تمدید قرارداد کم مقدار و ناچیز پیشین بود که البته آن نیز با دخالت وزارت ورزش و چانه زنی مقام بالادستی میسر شد که البته دریافت همین سهم ناچیز هم از صداوسیما نیاز به قدرتی دارد که تاج فاقد آن بود!

بی تردید اوج شاهکار تاج در حوزه اقتصادی قرارداد اسپانسرینگ البسه تیم ملی برای جام جهانی روسیه بود. آنجا که قرارداد را در یک تصمیم حیرتانگیز به شکل وارونه و معکوس منعقد کرد و برای نخستین بار در طول تاریخ کشوری برای حضور در جام جهانی، اسپانسر یک کمپانی تولید البسه شد! تاج با عقد یک قرارداد وارونه با کمپانی آدیداس برای البسه تیم ملی پول پرداخت کرد؛ اتفاقی که در طول تاریخ یکصد ساله جام جهانی برای هیچ کشوری سابقه نداشته. چه آنکه به طور معمول کمپانی‌های تولید البسه با توجه به شرایط و موقعیت هر کشوری، برای جام جهانی اسپانسر یک تیم می‌شوند تا تیم‌ها در ازای دریافت مبلغی، پیراهن آنها را بر تن کنند اما تیم ملی ایران برای نخستین بار با هنر تاج اسپانسر یک کمپانی البسه در جام جهانی ۲۰۱۸ نام گرفت! نکته عجیب اینکه کمپانی آدیداس در ازای این قرارداد ننگین، حتی حاضر به تولید لباس اختصاصی برای تیم ملی ایران نشد و به ایران البسه خام و تمرینی خود را فروخت و حتی در سایت خود از ایران به عنوان یکی از تیم‌های حاضر در جام جهانی با برند خود نام نبرد تا مشخص شود که چه کلاه بزرگی سر فوتبال ایران رفته است.

## سه

## تهدید نرم و خلف وعده برای بقا

با تصویب قانون منع به کارگیری بازنشسته‌ها در نهادهای دولتی، مهدی تاج و کابینه اصفهانی او در گوشه رینگ قرار گرفتند. وزارت ورزش و جوانان که از عملکرد تاج و تیم وابسته‌اش به هیچ عنوان رضایت نداشت، بهترین فرصت را پیدا کرد تا با همین قانون تاج را کنار بزند اما رئیس فدراسیون برای خروج از گوشه رینگ دو دستاویز بزرگ داشت. مهدی تاج در ابتدا بارها و بارها در بوق و کرنا کرد که بازنشسته نیست و به دلیل سوابق حضور در جبهه از معافیت برخوردار است در حالی که در قانون جدید، مفاد تبصره سابقه جبهه به روشنی ذکر شده بود که البته شامل تاج نمی‌شد. با وجود این مهدی تاج برای بقا دو مسیر را رفت؛ در ابتدا نهادهای بین‌المللی یعنی فیفا و

AFC را مستمسک قرار داد که در صورت کنار رفتن خطر تعلیق فوتبال را تهدید می‌کند و در ادامه با جلسات پنهانی با شیخ سلمان رئیس کنفدراسیون آسیا آنها را مجاب کرد تا در حمایت از او نامه‌ای به ایران ارسال کنند و عملاً فوتبال ایران را زیر گیوتین تعلیق گذاشت.

در گام دوم او با سران ورزش ایران پشت درهای بسته وارد مذاکره شد و دست به معامله عجیبی زد. او توافق کرد تا در ازای بقای خود در فدراسیون تمامی افراد پیرامونی‌اش به ویژه باند اصفهانی‌ها را عزل و برکنار کند. معامله‌ای که البته تساج با زیرکی در آن خلف وعده کرد و بعد از کنار گذاشتن صوری ساکت به عنوان دست راست خود، به او سمت تازه‌ای اعطا کرد تا کماکان حلقه افراد نزدیکش را در فدراسیون حفظ کرده و اینگونه شروط و قول و قرار قبلی را دور زده باشد.

## چهار

## سندسازی برای بدهکارها

باشگاه‌های ورشکسته و بدهکار حدیث مکرر و کلیشه‌ای فوتبال ایران هستند. باشگاه‌هایی که هر سال با تراز منفی و بدون پشتوانه و درآمد مشخص، قراردادهای جدید و سنگینی می‌بندند تا کوه بدهی‌های‌شان مرتفع‌تر شود. در طول سالیان گذشته همیشه بازیکنان و مربیان خارجی با شکایت به فیفا به مطالبات خود می‌رسیدند اما قراردادهای داخلی هیچ‌کدام اعتباری نداشت. در نهایت بعد از مصوبه جدید AFC مبنی بر شفاف‌سازی اقتصادی باشگاه‌ها و تراز مالی به عنوان یکی از الزامات، باشگاه‌های ورشکسته و بدهکار ایرانی و فدراسیون فوتبال در تنگنا قرار گرفت و ملزم به شفاف‌سازی و پرداخت مطالبات قبلی شد.

در این میان بازیکنان و طلبکاران داخلی که سال‌های سال به رغم شکایت به مراجع داخلی، نتیجه نگرفته بودند، با توجه به مصوبه جدید شکایات خود را در کانال خارجی و AFC مطرح کردند تا کار بیخ پیدا کند.

مهدی تاج در طول چند سال اخیر و در واکنش به کوه بدهی باشگاه‌های ورشکسته، ادعا می‌کرد که تیم‌های بدهکار حق حضور در لیگ را نخواهند داشت و در صورت عدم تسویه حساب با طلبکاران، کارت بازی برای آنها صادر نمی‌شود اما این ادعاها هیچ‌کدام حقیقت نداشت. باشگاه‌های ورشکسته بدهی روی بدهی می‌گذاشتند و با خیالی آسوده در لیگ شرکت می‌کردند چه آنکه می‌دانستند وعده تاج تنها یک ادعای عوام‌فریبانه است.

با شکایات طلبکاران داخلی به AFC ماجرا شکل دیگری گرفت و عجیب اینکه تاج در این بحران کماکان همراه تیم‌های بدهکار و ورشکسته بود و برای رفع و رجوع مشکلات آنها اقدام می‌کرد! سندسازی‌های باشگاه‌ها برای ارائه به آسیا و اخذ مجوز حرفه‌ای‌گری با تأییدیه فدراسیون تساج به AFC ارائه می‌شد و او بارها و بارها در مذاکراتش با سران کنفدراسیون فوتبال آسیا از باشگاه‌های ایرانی حمایت و ادعا کرد که آنها در مسیر شفاف‌سازی حرکت می‌کنند و شخصاً مجوز حرفه‌ای را برای باشگاه‌های مقروض و بی‌سر و سامانی گرفت که هیچ نشانی از حرفه‌ای‌گری در آنها وجود ندارد و حتی یکی از بندها و الزامات AFC در آنها رعایت نمی‌شود.

## پنج

## پایان تلخ با کی‌روش

کارلوس کی‌روش بی‌تردید یکی از نقاط منفی کارنامه مهدی تاج است. مردی که در طول دوران حضورش در ایران با مهدی تاج و وعده‌های توخالی‌اش بارها و بارها به مشکل خورد و دست آخر پس از جدایی در نامه‌ای توفانی او را یک دروغ‌گوی بزرگ خطاب کرد. کی‌روش در طول مدت ۵ سالی که با کفاشیان کار کرده بود، شناخت نسبی از تاج داشت اما در همکاری مستقیم با او چالش‌های فراوانی را تجربه کرد که پیش از آن به رغم همه مشکلات وجود خارجی نداشتند.

دیر کرد در پرداخت دستمزد کی‌روش در دوران تاج از چند ماه گذشت و به سال رسید و همین مربی پرتغالی را هر روز عصبانی‌تر و آشفته‌تر می‌کرد. بعد از جام جهانی و تا پایان جام ملت‌ها فدراسیون تاج دستمزد قرارداد کی‌روش را پرداخت نکرد و مدام او را به آینده حواله داد تا در نهایت کی‌روش چاره کار را در شکایت به فیفا ببیند.

در ماجرای چالش دائمی با مربیان داخلی و لیگ که اوج آن درگیری کی‌روش با برانکو بود، سرمربی تیم ملی انتظار داشت رئیس فدراسیون فوتبال پشت او قرار بگیرد و از او دفاع کند اما تاج



ترجیح داد با سیاست سکوت و مدارا از کنار این بحران بزرگ عبور کند و همین دلخوری شدید سرمربی وقت تیم ملی را به همراه داشت. کی‌روش در بحث بازی‌های تدارکاتی پیش از جام جهانی نیز با فدراسیون به مشکل برخورد کرد؛ وقتی بازی تدارکاتی با یونان و کوزوو کنسل شد. دو دیداری که کی‌روش در فاز آماده‌سازی تیمش روی آنها حساب باز کرده بود اما با انفعال فدراسیون فوتبال و رندی طرف مقابل ملغی شد تا برنامه‌های کی‌روش به هم بریزد. اتفاقی که پیش از جام ملت‌های امارات نیز رخ داد و درخواست‌های کی‌روش عملاً اجرایی نشد.

کی‌روش از حضور ساکت اطراف تیم ملی ناراحت و شاکی بود و او را مزاحم می‌دانست و حتی او را به رختکن تیم ملی راه نمی‌داد اما تاج ترجیح داد تا آخرین روز یار غارش را در تیم ملی نگه دارد.

جالب اینکه مهدی تاج بعد از خروج کی‌روش از ایران در یک برنامه تلویزیونی به مناسبت عید نوروز ادعا کرد که هنوز با کارلوس در ارتباط است و حال او را می‌پرسد اما کی‌روش با شکایت به فیفا و یک نامه سرگشاده تند و تیز و بلند بالا ادعای آخر تاج را هم پا در هوا نشان داد. آنجا که گفت: «آقای تاج احترامی برای حرف‌هایش قائل نبود و پشت حرف‌ها و افتخاراتی که کسب شد، خود را پنهان کرد. رئیس فدراسیون فوتبال ایران نتوانست تعهدات و گفته‌های خود را به تیم ملی عملی کند و اعتماد و اعتبار خود را از دست داد. آقای تاج



بعد از ۹ ماه عمل نکردن به وعده‌ها و تعهدات قراردادی‌اش، کاملاً با بی‌احترامی رفتار کرد. به تیم ملی بی‌توجه بود و یک راه حل برای جبران و برآورده کردن مسئولیت‌هایش انجام نداد و من را در یک شرایط بی‌احترامانه و غیرقابل قبول مجازات کرد و به من آسیب رساند. رئیس فدراسیون فوتبال ایران تلاش می‌کند تا مسئولیت‌هایش را پشت بهانه‌های تحریم و شرایط سخت اقتصادی کشور پنهان کند. او به خوبی می‌داند که این شرایط ارتباطی با این سناریو ندارد بلکه این مشکل دقیقاً و منحصرأ از طرف خود او ایجاد شده و او نتوانست احترامی برای حرف‌ها و مستنداتش داشته باشد.»

## شش

## ویلموتس، انتخاب بد، قرارداد بدتر

مارک ویلموتس شاید بزرگترین اشتباه مهدی تاج در دوران ریاستش در فدراسیون فوتبال است. بعد از جدایی کی‌روش، فدراسیون فوتبال ۶ ماه آرزگار را تلف کرد و دست آخر به گزینه‌ای رسید که از منظر اعتبار، رزومه و بزرگی به هیچ وجه در اندازه‌های کی‌روش نبود. مهدی تاج با خونسردی تاییم زیادی را به پای مذاکرات با گزینه‌هایی چون رنار، لوپتگی و... گذراند و دست آخر با ویلموتس به توافق رسید. در طول مدت این ۶ ماه تاج تقریباً هر ماه وعده به معرفی سرمربی تیم ملی در چند هفته یا چند روز آینده می‌داد و سرانجام در خردادماه

